

قوای خارجی بودند چه کردند؟ و اگر بروند چه میشود؟؟؟

بخش دوم – استاد (صبح)



من و تو ساقه یک ریشه هستیم
نهال نازکی یک بیسه هستیم
ستم یکسان نمودند بر من و تو
شکسته از دم یک تیشه هستیم.



پریشان شده ام تابی ندارم
ز رنجهای شما خوابی ندارم
برای نقش تصویر غمهایت
به غیر سینه ام قابی ندارم.

استوارت توتال، فرمانده نیروهای انگلیسی در جنوب افغانستان گفته بود که عملیات سربازان انگلیسی در منطقه بسیار مشکل تر از آن است که تصور می شد. نیروهای انگلیسی علاوه بر ولایت هلمند، در قالب نیروهای ایساف

در شهر کابل و اطراف آن مستقراند. جان رید وزیر دفاع سابق انگلیس اعلام کرده بود که در مجموع پنج هزار و ۷۰۰ نظامی جدید این کشور برای مدت پنج سال در افغانستان مستقر خواهند شد. او هزینه استقرار این نیروها را یک میلیارد پوند (۸۴/۱ میلیارد دلار) اعلام کرده بود. حزب مخالف لیبرال دموکرات انگلیس هم موافقت خود را با تصمیم حزب حاکم کارگر برای اعزام نیروی بیشتر به افغانستان اعلام کرد. سر مینگیس کمپبل رهبر این حزب گفت که انگلیس چاره‌ی جز اعزام افراد بیشتر به افغانستان ندارد. او افزود نمی‌توان اجازه داد مأموریت نظامی در افغانستان با شکست مواجه شود، زیرا در این صورت ثبات افغانستان به هم می‌خورد و حیثیت ناتو نیز لطمه می‌بیند. رهبر حزب لیبرال دموکرات گفت: لازم است با تهدید تروریستی تندروهای اسلامگرا مبارزه و این دشمن خطرناک ریشه کن شود، چراکه حضور آن در افغانستان نه تنها آن کشور بلکه همان طور که در بمب گذاری‌های لندن شاهد بودیم، همگان را به مخاطره می‌اندازد.

امادانستن این موضوع ضروری است که نیروهای انگلیسی که عمدتاً در هلمند مستقر هستند، هنوز نتوانسته یا شاید نخواسته اند نام این ولایت را از فهرست ناامن‌ترین و همچنین حاصلخیزترین ولایت در عرصه کشت و تولید مواد مخدر بزدايند؛ این کارنامه اصلی نیروهای انگلیسی در افغانستان است. نیروهایی که رهبری مبارزه با مواد مخدر را به عهده داشتند؛ اما ولایتی که آنها مستقر اند به تنهایی نزدیک به نیمی از کل موارد مخدر تولیدشده در افغانستان را تولید می‌کند و بخش قابل توجهی از مواد مخدر جهان را تامین می‌نماید. اگر هلمند را به تنهایی میراث حضور ۱۲ ساله نیروهای انگلیسی در افغانستان بدانیم این میراث هیچ نشانه‌ای از موفقیت را در خود ندارد. عمده‌ترین موفقیت نیروهای انگلیسی در هلمند شاید این بوده است که آنها با طالبان فعال در آن ولایت به نوعی تفاهم نانوشته رسیده‌اند، تا کاری به کارهمدیگر نداشته باشند و نیز بر اساس ادعای کرزی این نیروها به صورت امن و آسان و مستقیم به معادن و منابع زیرزمینی آن ولایت دسترسی داشته باشند! با استقرار نیروهای متذکره در این ولایت بگونه روزافزون، شاهد گسترش نوعی ناامنی مدیریت شده بودیم که به گونه آرام و خزنده از حوالی جنوب کشور که در کنترل نیروهای انگلیسی است به دیگر مناطق امن کشور توسعه پیدا کرد.

از سوی دیگر نماینده ویژه سازمان ملل با استقبال از خبر اعزام نیروهای انگلیسی به افغانستان از جامعه جهانی خواست برای حل مشکل این کشور با افغانستان همکاری کنند. او هشدار داد جامعه بین‌الملل توان طالبان برای قدرت گرفتن مجدد در افغانستان را دست کم می‌گیرد و گفت که دیگر کشورها نیز باید کمک‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی خود را افزایش دهند. کوینگز ضمن تاکید بر اصلاحات در ساختار نهادهای امنیتی نبود اطلاعات کافی در مورد مناطق جنوبی را زنگ خطری برای دولت کابل قلمداد کرد و گفت- دولت کرزی باید رابطه‌ی درست و منظم با مردم ساکن جنوب کشور داشته باشد. او همچنین کمبود نیروی پولیس را از مشکلات دیگر بر شمرد و افزود- اکنون به ازای هر ۱۵۰۰ نفر در افغانستان یک پولیس فعالیت دارد، در حالی که در کشور سوئیس تقریباً هر ۵۰۰ نفر یک پولیس دارند.

اسپانیا نیز خواستار تشکیل جلسه ویژه ناتو برای بحث جدی درباره معضل قدرت گرفتن مجدد طالبان در افغانستان شد. منابع دیپلماتیک اسپانیا اشاره به کشته شدن سرباز این کشور در درگیری های اخیر و تشدید حملات طالبان، مذاکره در این باره را ضروری دانستند. اسپانیا حدود ۷۰۰ نظامی را در قالب نیروهای ناتو برای کمک به برقراری ثبات در افغانستان اعزام کرده است. خشونت های طالبان به بالاترین سطح خود از زمان حمله آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ رسیده است. ماهمه این حرف و سخن بر روی کاغذ ماند و نه طالب شکست خورد و نه زندگی مردم بهبود پیدا کرد.

جنگ افغانستان از ابتدا تا زمان خروج نیروهای انگلیسی از کشور بیست میلیارد پوند برای مالیه دهندگان انگلیسی هزینه خواهد داشت. نیروهای انگلیس تاکنون در افغانستان چهارصد و چهارده کشته داده اند که بیست تن از آنها به دست نیروهای امنیتی دولت کرزی کشته شده اند.

طی ده سال گذشته در جنگ علیه طالبان و القاعده در افغانستان، بیش از ۲۷۱۰ سرباز خارجی کشته شده که بیشتر آنها را امریکایی ها تشکیل می دهند. همچنان در همین مدت بیش از ۱۸ هزار سرباز خارجی زخم برداشته اند، که ۱۳۵۰۰ تن آنها را امریکایی ها تشکیل می دهند. بعد از آنکه به تاریخ ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی حمله به آمریکا صورت گرفت، به تاریخ هفتم اکتوبر همین سال، نیروهای ناتو متحدین به رهبری آمریکا در افغانستان علیه القاعده و طالبان جنگ را آغاز نمودند. اکنون از این جنگ سالها میگذرد، اما هنوز هم وضعیت امنیتی روز به روز بسوی خراب شدن مسیر می پیماید. طی این جنگ بر علاوه دهها هزار هموطن ما، به هزارها سرباز خارجی نیز تلفات وارد گردیده است.

تمام نیروهای خارجی در افغانستان به رهبری ناتو فعالیت دارند. اکنون ۴۸ کشور بیش از ۱۳۳ هزار سرباز دارند، که حدود یکصد هزار آنها را امریکایی ها تشکیل می دهند. برای نیروهای خارجی مستقر در افغانستان سال ۲۰۱۰ میلادی طی این مدت خونین ترین سال بود، که طی آن ۷۰۹ سرباز خارجی کشته شده اند.

یوناما) در افغانستان میگوید- شمار تلفات غیر نظامیان در سال ۲۰۱۱ به ۳۰۲۱ نفر رسیده، در حالی که سال قبل از آن، این آمار ۲۷۹۰ و در سال ۲۰۰۹ میلادی ۲۴۱۲ نفر بوده است. بر اساس یافته های این گزارش، بم گذاری های خیابانی و ماین گذاری جاده ها و حملات انتحاری، مرگبارترین عوامل تلفات غیر نظامیان و مخالفان مسلح دولت عامل کشتار بیشتر این قربانیان بوده اند. فرستاده ویژه ملل متحد در افغانستان میگوید - کشتار کودکان، زنان و مردان در این جنگ همواره رو به افزایش بوده است و غیر نظامیان بهای جنگ را بیش از همه پرداخته اند. در سال دوهزار یازده میلادی نزدیک به یکصد و نود غیر نظامی در نتیجه حملات هوایی نیروها کشته شده اند که در مقایسه به سال دوهزارده حدودنود درصد افزایش را نشان می دهد. نزدیک به پنجمین قتل هدفمند از سوی مخالفان مسلح در این سال نیز صورت گرفته که در آن بیشتر کارمندان بلند رتبه دولتی مثل، والیان، ولسوالها، اعضای شوراهای ولایتی و بزرگان قومی هدف قرار داده شده اند. ملل متحد از سران طالبان خواسته است که قواعد جنگی را برای کاهش تلفات غیر نظامیان در جنگ رعایت کنند و اصول حقوق بشر را در مقررات جنگی خود

بیفزایند و مطمئن شوند که جنگجویان تحت امر آنان پابند این اصول هستند. ملل متحد از نیروهای داخلی و خارجی نیز خواسته است که تلاش بیشتری به خرج دهند تا تدابیر لازم برای جلوگیری از تلفات غیرنظامیان در عملیات آنان روی دست گرفته شود. در عقب این آمارها رنج و آسیب واقعی خانواده ها در افغانستان دیده می‌شود. این جنگجویان طرف‌های درگیر هستند که باعث ادامه این امر شده اند.

در سال ۲۰۱۲، با وجودی که اقداماتی از سوی نیروهای امنیتی داخلی و آیساف بخاطر جلوگیری از تلفات ملکی صورت گرفته، اما با آنهم ۳۱۶ فرد ملکی کشته شده و ۲۷۱ تن دیگر مجروح گردیده اند. زنان و دختران، از تاثیرمنازعات مسلحانه رنج می‌برند. یوناما ۸۶۴ مورد تلفات ملکی زنان، ۳۰۱ کشته و ۵۶۳ زخمی را در سال ۲۰۱۲ ثبت نموده است. مسئول واحد حقوق بشر یوناما به خبرنگاران گفت- تلفات زنان و دختران در سال ۲۰۱۲، نسبت به سال قبل آن بیست درصد افزایش داشته و این تلفات هنگامی صورت گرفته که زنان و دختران، مصروف فعالیت‌های روزانه بودند.

استفاده از حملات انتحاری به شمول حملات توسط اطفالی که شستشوی مغزی شده اند، تا افراد غیرنظامی را بکشند، تکان دهنده است و نقض آشکار معیارهای اسلامی است. نزدیک به نیمی از دوهزار سرباز آمریکایی تنها در ولایت‌های قندهار و هلمند کشته شده اند. آمارهای پنتاگون نشان می‌دهند که تلفات نیروهای آمریکایی در پیکار با تروریسم از مرز دوهزار نفر گذشته است. زیرا از آغاز این جنگ در سال دو هزار و یک میلادی تا دوهزار سیزده میلادی، دوهزار و سه آمریکایی کشته شده اند و هفده هزار و دویست و هشتاد و هشت سرباز دیگر آمریکایی زخمی شده اند.

پس از سخنرانی کرزی در جمع نیروهای امنیتی مبنی بر عدم کمک از نیروهای ناتو در عملیاتهای نظامی، فرمانده عمومی نیروهای ناتو در افغانستان گفت که از فرمان کرزی برای عدم بمباران هوایی مناطق مسکونی توسط ناتو حمایت می‌کند.

کرزی چندی قبل اظهار داشت که از نیروهای ناتو تعهد گرفته که دیگر گوشه و کنار کشور را بمبارد نکنند، اما در حمله بعد از این تعهد به مناطق مسکونی ده غیرنظامی کشته شدند و ناتو تنها به یک عذرخواهی اکتفا نمود.

سکرتار جنرال حقوق بشر ملل متحد در این رابطه معتقد است که قبل از پایان دادن به حملات هوایی، او باما باید مطمئن شود که حملات هواپیماهای بدون سرنشین این کشور در مناطق مختلف جهان در چارچوب قوانین بین‌المللی انجام می‌شود یا خیر؟ زیرا قوانین بین‌المللی مشخص می‌کنند که حملات هواپیماهای بدون سرنشین چه زمانی مجاز و چه زمانی غیرمجاز است. آمریکا مدعی است حملات هواپیماهای بدون سرنشین، حملات هدفمند برای کشتن اعضای طالبان است اما اگر در این حملات تعداد زیادی از غیرنظامیان کشته شوند می‌توان درستی این حملات را زیر سوال برد. بنابراین بدون بررسی دقیق این حملات نمی‌توان آنها را قانونی یا غیرقانونی توصیف کرد. در پاسخ به ایشان باید گفت- اگر شما که رییس حقوق بشر ملل متحد هستید هنوز در رابطه با تعداد تلفات غیرنظامیان در برابر کشته شدگان طالبان در حملات هوایی نیروهای خارجی تحقیق نکرده اید، بدانید ارقام نشان می‌دهد

اگر در این حملات یک تروریست طالب کشته می شود در قبالش چندین غیر نظامی جان خود را از دست می دهند. اگر سری به ارقام غیر نظامیان کشته شده که توسط دفتر سیاسی سازمان ملل در افغانستان (یوناما) بزنید، این ادعا برای شما اثبات می گردد:

سال ۲۰۰۷ : ۱۵۲۳ غیر نظامی

سال ۲۰۰۸ : ۲۱۱۸ غیر نظامی

سال ۲۰۰۹ : ۲۴۱۲ غیر نظامی

سال ۲۰۱۰ : ۲۷۹۰ غیر نظامی

سال ۲۰۱۱ : ۳۰۲۱ غیر نظامی

تا جون ۲۰۱۲ : ۱۱۴۵ غیر نظامی

این در حالی است که این ارقام، تنها مربوط به غیر نظامیان کشته شده توسط خارجیها در عملیات هایی می شود و کشته شدگان در عملیاتهای زمینی و . . . جای خود را دارد.

بیش از سیزده هزار غیر نظامی تنها در طی پنج سال کشته شدند. آیا واقعا این تعداد طالب هم در این حملات از بین رفته اند؟ مطمئنا جواب منفی است. اگر غیر از این بود اکنون رییس حقوق بشر ملل متحد نمی گفت که باید در این رابطه تحقیق شود تا بدانیم این حملات مجاز است یا غیر مجاز. واقعا جای تاسف است که هزاران نفر از هموطنان ما در عین بی خبری، جان خود را از دست بدهند یا معیوب گردند، آنوقت به این فکر بیفتند که این کار قانونی است یا غیر قانونی. بعد اگر دلشان شد تصمیم به خاتمه این حملات بگیرند. گویی جان مردم ما برای اینها از بسیاری چیزها، ناچیزتر است. مگر این ظلم نیست که در خانه خود نشسته ای ناگهان برسرت بم بریزند؟؟؟ بدون اینکه گناهی کرده و یا حتی متهم به کاری غیر اخلاقی و غیر قانونی باشید. تنها به این جرم که یک طالب دست پرورده پاکستان و . . . در حوالی منطقه مسکونی شما پرسه میزند.

طی ماههای گذشته به علت اعتراضات گسترده مردم به کشتار مردم بی گناه سانسور شدیدی اعمال میشود تا از انتشار این گونه اخبار جلوگیری شود دسترسی خبرنگاران به مناطق زیر عملیات شدید محدود گردیده و بر مطبوعات داخلی فشار می آورند که چنین اخبار را انعکاس ندهند.

تازه ترین حوادث در کنر که عمدتا زنان و کودکان تلف شدند، به مطبوعات کشیده شده است، باز هم خارجیها کشته شدگان را نیروهای مسلح طالب عنوان کردند و بلندگوهای مطبوعاتی آنان میکوشند این خبر را که والی کنرنیز تایید کرده و تصاویری نیز از جانب رویترز پخش شده زیر سوال برده غیر جدی نمایان سازند. یکی از این بلندگوها، بی بی سی فارسی است که تنها زمانی اخبار اینچنینی را نشر میکنند که جهانی شده باشد و زیر زدن آن برایشان دشوار شود. برای اینان کشته انسانهای بیگناه خیر اصلی نیست و آنرا بصورت حاشیه ای نشر کرده اند و آنهم با لحن مورد قبول برای خود. در صفحات اول وبگاه هایشان نیز خبری از این واقعات نیست. اما در مقابل کشته شدن ولویکتن در اروپا و انگلیس با آنچنان آب و تاب پوشش داده میشود که توگویی زمین از مسیرش منحرف شده است.

سازمان عفو بین الملل از کشته شدن غیرنظامیان کشور ما به دست نیروهای خارجی به شدت انتقاد کرده و گفته است، این نیروها از پاسخگویی خودداری کرده اند. سازمان عفو بین الملل از عدم پاسخگویی موارد قتل غیرنظامیان به شدت انتقاد کرده و گفته است، حتی جنایت های جنگی مشهود مورد بررسی قرارنگرفته وبدون مجازات باقی مانده اند. در مورد ده واقعه ی که در سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۳ که طی آن افراد غیرنظامی در جریان عملیات نیروهای خارجی کشته شده اند تحقیق کرده گفته است، هیچ یک از این موارد پیگیری نشده است و ۱۴۰ غیرنظامی در این حوادث کشته شده اند.

فلیپ آلستون که از گزارشگران ملل متحد در امور عدلی بود، گفته است که عدم پیگرد قانونی متهمان جنایت های جنگی از نگرانی های جدی است و این کار سبب شده است که شمار زیادی از غیر نظامیان افغان در درگیریها کشته شوند.

این مقام قبلی ملل متحد نسبت به پیامد های زیانبار عدم پیگیری جنایت های جنگی هشدار داده وبا اذعان به این که باید برای شناسایی و پیگرد جدی این جنایتها در افغانستان تحقیقات جدی صورت گیرند، وی خواسته است تا قتل های سازمان یافته ی که از سویو یکی لیکس افشاء شده اند را به بررسی بگیرد. در این اواخر رسانه های غربی موارد از فعالیت های جنگی نظامیان بریتانیایی را فاش کرده اند که در نتیجه ی آن ۲۶ تن از غیرنظامیان کشور کشته شده و ده هانفرد دیگر زخمی شده اند وهمچنان قرار است تا سه نفر از سربازان استرالیایی در قضیه کشته شدن ۵ کودک در ولایت ارزگان در جریان یک عملیات نظامی این نیروها در سال ۲۰۰۹، مورد پیگرد عدلی قرار بگیرند. اگرچه به نظرمی رسد، روی سخن مقام ملل متحد بیش ترم توجه نیروهای بین المللی بوده و این بعد قضیه نیز از جهت های مختلفی درخور اهمیت بوده و رسیدگی جدی را می طلبد، اما بررسی به جنایت های جنگی سه دهه ی گذشته یکی از بزرگترین چالش های موجود فراراه رسیدن به صلح عدالت واقعی در کشور بوده که به دلیل حضور گسترده ی ناقضان حقوق بشر در ساختار نظام سیاسی، دولت کرزی در سالهای گذشته حتا از تبارز اراده ی لازم در راستای به اجرا گذاشتن برنامه های مطروحه ی خویش بسان برنامه ی عمل برای صلح مصالحه و عدالت، در این راستا ناتوان بوده است.

کشورهای قدرتمند در جنگ افغانستان، هر گاه که منافع شان ایجاب می کرده یا می خواسته اند فردی یا جریانی رازیر فشار قرار دهند، از آغاز تحقیقات در پیوند با جنایت های جنگی در مورد آنان سخن گفته اند، اما در موارد بیشماری برغم انتظارهای مردم و نهاد های مدافع حقوق بشر در برابر جنایت های مشهود بشری و یا افرادی که متهمان اصلی این گونه جنایت ها پنداشته می شوند، با اغماض ومدارا برخورد کرده وحتا به این گونه افراد و جریان ها امتیازاتی نیز قایل شده اند. عمده ترین مثال در این مورد اعتراض های ملل متحد و شماری از کشورها در پیوند با تقررفهیم به حیث معاون اول رییس جمهور، توسط کرزی بود که بدون سروصدای بعدی فروکش کرد. نشریه واشنگتن تایمز در مقاله ی در مورد موثریت حضور نظامی و پول های مصرف شده امریکا در افغانستان مضمونی را به نشر رسانده ودر آن به کوتاهیها واشتباهاتی پرداخته است که امریکا برای پیروزی جنگ

د افغانستان مرتكب شده است. در اين مقاله به چهارلازمه جنگ كه در طول ۱۲ سال به آن توجه نشده است، اشاره شده و آنرا مورد انتقاد شديد قرار داده است. ستراتيژي، مصارف، حسابدهي و جلب اعتماد مردم. امريكا در تامين عنصر اساسي امنيت كه پيشرفت اقتصادي-اجتماعي افغانستان است هيچ موثريتي نداشته است. اين عنصر شامل بهبود تجارت، اشتغال زايي، ايجاد بازارهاي فعال، مكاتب، معلمين، شفاخانه ها و بهبود خدمات صحي مي باشد كه توجه لازم به آن مبذول نشده است. نظاميان امريكا در مقايسه با صدها ميليارد دللري كه مصرف کرده اند، مي توانست با مصارف خيلي اندك، مشكلات اين كشور را مرفوع بدارند. اگر چنين ميشد، شايد امروز وضع زندگي مردم افغانستان به مراتب بهتر مي بود.

با مصارف خيلي كوچك ميشد ميزان دسترسي مردم به آب آشاميدني كه اكنون تنها ۲۷ فيصد است بلند برود دسترسي به برق كه اكنون تنها ۳۰ فيصد است افزايش يابد. چگونه امريكا در حساب دهه از اين مصارف ناكام بوده است. در گزارش تفتيش عمومي بازسازي افغانستان به چند مورد اختلاس و رشوت از جانب نظاميان امريكايي در پروژه هاي بازسازي اشاره شده است. سال گذشته، يك نظامي امريكايي به قاچاق يك ميليون دللر از افغانستان كه از طريق وسايل دي وي دي انتقال ميداد، متهم شد، نظامي ديگر به قاچاق يك صد هزار دللر كه در بكس سفرى خود جابجا کرده بود اقرار كرد و به همينگونه رئيس ارگان پيشين اردوي امريكا به جرم درخواست رشوت ۶۰ هزار دللر از پروژه هاي ساختماني در افغانستان محكوم شد. نظامي ديگر پيش از دوصدهزار دللر را كه براي پروژه هاي بازسازي اختصاص يافته بود به سرقت برد و يك ديگرش دهها هزار دللر ديگر را در وسايل بازي اطفال پنهان کرده بود. به اين ترتيب، اگر همه پول هاي دزدیده شده جمع گردد به ميليارد ها دللر ميرسد. اينها فقط چند مثال كوچكي از فريب، سرقت و سوءاستفاده توسط خود مسئولين امريكايي در افغانستان بوده است. بنا برين، افغانها واقعاً حق دارند كه از ما بخواهند بيرون شويم، چون فساد امريكا همه جا را فرا گرفته است.

جلب اعتماد مردم است كه امريكا براي بدست آوردن آن ناكامي هاي زيادي داشته است. تمامي افشار جامعه افغانستان شديداً مخالف حملات شب هنگام بر خانه هايشان و بمباردهويي نيروهاي امريكايي هستند. اما، در مقابل امريكاييها به اين عمل ادامه داده و چيزي را كه بدست آورده اند، جز انزجار و تنفر مردم نبوده است. چنين عمل كرد هاي نظاميان امريكايي امروز مناسفانه باعث ترس و هراس همگاني شده است. بنا برين، اگر سياست گزاران امريكايي واقعاً نمي خواهند افغانستان پس از خروج ايشان در وضعيت سراسيمه به سربرد، بايد تنها مصارف يكماهه خود را كه چيزي حدود ۱۰ ميليارد دللر ميشود براي تمويل چند برنامه توسعه ي به اين كشور اختصاص دهد. آنها اين پول را براي تمويل برنامه همبستگي ملي كمك كنند تا نه تنها توسعه و انكشاف افغانستان ادامه يابد، بلكه تلاش هاي خود آنها براي بازسازي و تامين ثبات در افغانستان نيز نتيجه اي را به همراه داشته باشد.

همچنان انديشكده شوراي اتلانتيك در مقاله ي از خامه فدرريك كمپ در خصوص مواضع امريكا در قبال بحران افغانستان نوشت. اوباما در سخنراني مراسم تحليف دور دوم رياست جمهوري خود، با وجود گسترش چالش هاي

جهانی از جمله مسأله افغانستان، تنها برمسائل داخلی کشورش تأکید ورزید. اما دنیا نمی‌تواند متوقف شود تا آمریکا از مشکلات داخلی‌اش فارغ گردد. با وجود پنجاه کشوری در افغانستان حضورگسترده نظامی دارند، و اوپاما درباره عقب‌نشینی و خروج پرشتاب نیروها در سال دوهزارچهارده کار می‌کند، و چگونه بر سرمأموریت و میزان نیروهای باقی‌مانده مذاکره می‌نماید؟ این مسائل فراتر از بحث‌های تئوری هستند. دیپلماتی از یکی از کشورهای متحد آمریکا، که اخیراً از افغانستان برگشته‌است، از این امر ابراز نگرانی می‌کند که مقامات دولت اوپاما، بیش از اندازه بر بیرون کشیدن تعدادی سربازان خود از افغانستان تمرکز می‌نمایند. . . این تفکر به امری منجر می‌شود که نیروهای باقی‌مانده آمریکایی می‌خواهند پس از خروجشان از افغانستان، بر آن‌جا حکم‌فرما گردد. در مذاکراتی که تاکنون انجام شده‌است، واشنگتن و کابل از گزینه صفر، خروج کامل سربازان آمریکایی دوری جسته و به این ترتیب از الگوی عراق اجتناب کرده‌اند. رئیس‌جمهور کرزی شخصاً به اوپاما متعهد شده‌است که به‌گونه‌ی عمل خواهد نمود تا مصونیت سربازان باقیمانده آمریکایی ضمانت گردد.

شایع شده‌است که سربازان باقیمانده بین ده تا پانزده هزار نیرو هستند. لیکن پرسشی جالب توجه‌تر مطرح می‌شود مبنی بر این‌که آیا واشنگتن می‌خواهد شماری از پایگاه‌های خود در افغانستان را حفظ کرده و به آن‌ها دسترسی داشته باشد؟ پایگاه‌های که با مصارف قابل‌توجه و از جیب مالیه دهندگان آمریکایی ساخته شده‌اند.

یکی دیگر از نگرانی‌های موجود این است که پاکستان از سوی افراط‌گرایان با مشکلی جدی روبه‌رو شده‌است. اوپاما در حالی‌که تعیین می‌کند نیروهای آمریکا در افغانستان چه کنند، همچنین وقتی در بدترین قسمت این سناریو، پاکستان در اثر شورش، بی‌ثباتی یا . . . کنترل تسلیحات هسته‌ای خود را در مقابل افراط‌گرایان از دست بدهد، وی باید بی‌اندیشد که به چه نیرویی در منطقه نیاز دارد. اخبار خوش از پاکستان این است که فرمانده اردو، جنرال پرویز کیانی، با این نتیجه‌گیری که جریان خشونت‌آمیز داخلی افراط‌گرایی تهدیدی جدی‌تر از هند برای ثبات کشورش می‌باشد، مأموریت اردو را تغییر داده‌است. با این‌حال، خیرید این است که افراط‌گرایی همچنان به بسیاری بخش‌های پاکستان نفوذ می‌کند و از این رو نیروهای امنیتی داخلی می‌ترسند کشورشان به جایی برسد که بازگشتی برای آن متصور نباشد. اگرچه حملات مخفیانه آمریکا عملاً نیروهای مخالف را می‌کشد، عطش انتقام قبیله‌ی را تقویت می‌کنند که این امر خود باعث تقویت افراط‌گرایان می‌شود، به این ترتیب گزارش‌های نگران‌کننده از درگیری میان نیروهای دولتی و طالبان پاکستان در حال افزایش است.

همچنان ایران نیز چالش‌های جدیدی را در خصوص شرق افغانستان مطرح می‌کند. تهران که در رابطه با منافعش در سوریه و لبنان به مانع برخورد، تعاملات خود را با افغانستان افزایش داده‌است. علاوه بر انصراف سران افغانستان از توافق بر سر حضور طولانی مدت سربازان آمریکایی، در حال آماده‌سازی برای پرکردن خلاء امنیتی، پس از عقب‌نشینی آمریکا است. یکی از مقامات افغانستان در واشنگتن از این موضوع شکایت کرده‌است که ایران به منظور ایجاد مخالفت با هرگونه توافق اساسی در آینده، نمایندگان مجلس و وزیرای افغانستان را می‌خرد. همچنین

به مسلح کردن و آموزش گروه‌های محلی مبارزت ورزیده تا نوعی ستون پنجم برای حمایت از خود ایجاد نماید، همان‌کاری که پیش از این در عراق، سوریه، فلسطین، شرق عربستان سعودی و بحرین انجام داده‌است.

بر اساس تخمین ملل متحد، میلیاردها دالری که برای پیروزی در جنگ افغانستان به مصرف رسیده، می‌توانست برای هر افغان ۱۵ هزار دالرامریکایی برسد. اما فساد و خشونت فزاینده قصه دیگری را بیان می‌کند. نگرانی‌های امنیتی مانع رفتن مردم به شفاخانه‌ها و مکاتب می‌شود و حتی بعضی افغان‌های محافظه کار آرزوی بازگشت به گذشته‌های می‌کنند و به امنیتی که طالبان با وجود خشونت، حاکم ساخته بودند، ارزش می‌گذارند.

مارتین وان بجلرت، یکی از دو بنیانگذار شبکه تحلیلگران افغانستان می‌گوید: هر چیزی که مردم در مورد اتفاقات احساس می‌کنند، چه خوب چه بد. . . اما آنها در مورد آینده خود مطمئن نیستند. مارتین وان بجلرت مانند بسیاری دیگر معتقد است که پیشرفت‌های در افغانستان وجود داشته است، اما احساس قوی وجود دارد که پیشرفت‌ها با مبالغ پولی که در افغانستان مصرف شده و تلاش‌های که در این کشور صورت گرفته، متناسب نیست. تنها ایالات متحده آمریکا در جنگ افغانستان نزدیک به ۴۵۰ میلیارد دالریه مصرف رسانده است. تلاش‌ها صرفاً به آینده افغانستان متمرکز نبوده بلکه امنیت ایالات متحده آمریکا نیز مطرح بوده است. کشوری که سال‌ها جنگ داخلی و چندسالی حاکمیت طالبان را تجربه کرده است، به سادگی می‌تواند پناهگاه گروه‌های گروم که در تلاش حمله بر ایالات متحده آمریکا هستند. آینده مطمئن و باثبات نه تنها برای افغانستان بلکه برای ایالات متحده آمریکا نیز حیاتی است.

برآورد شده است که امید به زندگی در این کشور جنگ زده زیر ۴۵ سال است. حدود یک چهارم کودکان این کشور حتی شانس این‌را ندارند که شاهد پنجمین سالگرد تولد خود باشند. حتی برای آنهایی که از این مصیبت‌ها نجات می‌یابند، امید به زندگی بسیار پایین است. تنها یک چهارم افراد بالغ می‌توانند بخوانند و بنویسند و گفته می‌شود که بیکاری به ۴۰ درصد می‌رسد. بنابراین، به عوض افزایش رشد اقتصادی، بخش زیادی از کم‌کهای خارجی یا به جیب قشری از نخبگان رفته است یا به جیب کسانی که خود به ترویج و شیوع فرهنگ فساد کمک کرده است. از تامين عدالت گرفته تا استفاده از برق، همه چیز با رشوت اجرا می‌شود. بر اساس ارقام ملل متحد، سالانه دونیم میلیارد دالری پول افغانها در اختلاس و سوءاستفاده مالی مصرف می‌شود. سازمان شفافیت بین المللی افغانستان را سومین کشور فاسد در جهان رده بندی کرده است که تنها در درجه بهتر از میانمار و سومالیا قرار دارد.

فرانگ لدویچ یک عضو سابق دستگاه اطلاعاتی انگلیس در افغانستان در کتاب (دست آورد های انگلیس از جنگ افغانستان) نوشته است- نیروهای انگلیسی در هلمند برای زنده ماندن خویش روزانه میلیون ها دالری پول به طور رشوت به طالبان می دهند تا آنان از جنگ در مقابل نیروهای انگلیسی منصرف شوند.

و نیروهای انگلیسی در هلمند، روزانه حدود بیست و پنج میلیون دالر صرف کارهای نظامی می‌کنند که از این مبلغ میلیون ها دالران به طور ماهوار به طالبان یا افرادی که در ارتباط با آنان هستند، به طور رشوت پرداخته می‌شود، با این حساب، انگلیس تا سال دوهزار بیست حدود شصت میلیارد دالری پرداخت خواهد کرد اما با وجود این، از سال

دو هزار یک تاکنون چهارصدچهل چهارسرباز انگلیسی مستقر در افغانستان کشته شده و بیش از دوصد شصت نظامی دیگر زخمی شده اند.

نیروهای انگلیسی در چوکات نیروهای ناتو، به هدف مبارزه با مواد مخدر که مرکز آن عمدتاً ولایت هلمند خوانده می شود، در این ولایت مستقر شدند. این نیروها در آن زمان مدعی بودند که وارد جنگ نخواهند شد، تنها برای محو کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر در چوکات نیروهای ناتو فعالیت خواهند کرد.

بر اساس این تقسیم بندی، وظیفه نیروهای امریکایی در بخش مبارزه با تروریسم بود که این نیروها عملاً وارد نبرد با طالبان گردید. اما بعدها، بخاطر سود بیشتر مواد مخدر هلمند، نیروهای امریکایی نیز بر بخش های هلمند مستقر شدند و این ولایت میان این دو نیرو، به هلمند شمالی و جنوبی تقسیم گردید. هلمند شمالی در حوزه امنیتی نیروهای انگلیسی باقی ماند و هلمند جنوبی در اختیار نیروهای امریکایی قرار گرفت. افغانستان به منبع بیش از هشتاد و پنج درصد تولید جهانی تریاک تبدیل شد. در حال حاضر پنجا و هشت درصد تریاک جهان در افغانستان تولید می شود و چهل نود درصد آن تنها از ولایت هلمند بدست می آید. گردون برون نخست وزیر وقت انگلیس در تشریح اهداف جنگ در افغانستان با مردم کشور خود گفت که این جنگ برای نگهداری کوچه ها و شهرهای بریتانیا بسیار مهم بود، زیرا ما در افغانستان می جنگیم تا از جنگ در بریتانیا جلوگیری شود.

با مهر - صباح

thesabah@gmail.com

www.esalat.org